

روانشناسی و تاثیر تفاوت های فردی در میزان موفقیت افراد

موسی باقری فر^۱، کلثوم ابراهیمی شاهرودی^۲، محمد ابراهیم زاده پودینه^۳، زهرا فنودی^۴

^۱ دانشگاه سیستان و بلوچستان، کارشناسی ارشد علوم تربیتی (گرایش روان شناسی تربیتی)

^۲ دانشگاه سیستان و بلوچستان کارشناسی علوم تربیتی (گرایش آموزش و پرورش)

^۳ دانشگاه سیستان و بلوچستان کارشناسی علوم تربیتی (گرایش آموزش و پرورش)

^۴ دانشگاه سیستان و بلوچستان کارشناسی علوم تربیتی (گرایش آموزش و پرورش)

نام نویسنده مسئول:

موسی باقری فر

چکیده

هدف این تحقیق، بررسی برخی تفاوت های فردی افراد مختلف جامعه از لحاظ جسمی، وضع ظاهری، هوش، استعدادها، شخصیت، علایق و انگیزش، به علاوه، ممکن است افراد از نظر میزان آموزش قبلی، نوع آموزش و پرورش، میزان آشنایی، صلاحیت شغلی یا تحصیلی نیز متفاوت باشند. و عوامل مهمی در تعیین این تفاوتها نقش دارند که در این مقاله سعی شده است به طور مختصر به واژه های مطرح و کاربردی رایج در جامعه پردازم. تحقیق حاضر به روش کتابخانه ای انجام پذیرفته است و به صورت توصیفی، تحلیلی انجام گرفته است.

واژگان کلیدی: تفاوت های فردی، استعداد، هوش، آموزش و پرورش

مقدمه

از آن جاکه روانشناسان عمدتاً روانشناسی را علم مطالعه رفتاری دانند، یعنی تاکید بر عینیت، دقت، اندازه گیری، سنجش و آزمایش است. مشکل اساسی در این تعریف، ممکن است تفاوت‌های فردی به آسانی از نظر دور بماند. وجود ارتباط بین تواناییهای ذهنی و نتایج کار، بارها مورد تحقیق گرفته و به تایید رسیده است. مثلاً تحقیقی که در مورد کارمندان ادارات انجام گرفته^۱، نشان داده است که بین هوش و دشواری کار رابطه معنی داری وجود دارد. بدین ترتیب که افراد با هوش، روی هم رفته، مشاغل مشکل را اشغال می کنند. با گذشت زمان، فرد تمایل پیدا می کند در جهتی پیش برود که با استعداد های او هماهنگی دارد. /1/. شاید نتوان دونفر پیدا کرد که از هر لحاظ شبیه هم باشند. از بدو خلقت تا حالا، افراد درشت و ریز، قوی و ضعیف، باهوش و کم هوش، با ذوق و بی ذوق، جسور و ترسو، و... وجود داشته اند و باز هم وجود خواهند داشت، برخی به کوهنوردی علاقه مندند، بعضی اهل سیاست، بعضی عاشق ریاست، برخی اهل رزم و برخی اهل بزمند. عده ای از شنیدن حتی یک بیت شعر به وجد می آیند، عده ای دیگر واکنشی نشان نمی دهند.

تفاوت های فردی در کلیه زمینه ها دیده می شود. همه به خوبی می دانند که تفاوت های چشمگیری از نظر کار و رفتار بین افراد وجود دارد؛ حتی آنها به راحتی متوجه می شوند، افرادی که کار معینی را یاد می گیرند یا افرادی که با ماشین یکسانی کار می کنند، از نظر بازده تفاوت های آشکاری را نشان می دهند. در طول تاریخ، آدمی اشتیاق وافر به آگاهی و شناخت به اختلافات موجود بین افراد بوده است، با این وجود حدود یک قرن و اندکی است که روش های علمی و تجربی اندازه گیری تفاوت های فردی معمول و متداول گشته است. احتمالاً یکی از دلایل مطالعه استعداد و تفاوت های دیگر، شناخت انسانی است که خود مسبب تمامی مشکلات و بحرانهایی که در قرن بیستم و یکم گریبانش را گرفته، از جمله مسایلی مانند وحشت از جنگ هسته ای، آلودگی محیط زیست، سواستفاده از دارو ها، جنایت، تروریسم، گرسنگی و بیماری های روانی است. شاید درک بهتر از ماهیت انسان راهی را برای حل این مشکلات در پیش روی ما قرار دهد. درک صحیح از خود و دیگران، ما را برای سازگاری با مسایل جدید زندگی آماده می کند. اهمیت این سازگاری حتی از تولید سلاح های جدید و پیشرفت های فنی و یاکسب بالاترین معیار های زندگی بیشتر است. تاریخ به کرات نشان داده است که هرگاه دستاوردهای علمی در دست انسان های آرمند، ترسو، بدبین قرار گرفته، نتایج فاجعه آمیزی به بار آورده است. لذا چون بر آورده شدن بزرگترین امید و آرزوی انسان در گرو شناخت بیشتر وی از خود است، مطالعه استعداد و تفاوت های فردی آدمی می تواند عمده ترین تلاش روان شناسی محسوب شود. /2/. این تفاوت ها اهمیت بنیادی در موفقیت های تحصیلی یا شغلی دارند، زیرا انجام دادن کار و رفتار فرد را مستقیماً تعیین می کنند. دانش آموزی رامی بینیم که مثلاً در رشته ریاضی موفقیت چشمگیری را کسب می کند، دانش آموز دیگری رامی بینیم که در همان رشته، تنهایی تواند گلیم خود را از آب بیرون بکشد و دانش آموز سومی رامی بینیم که، به رغم تلاش خود و دیگران، به کلی شکست می خورد. در مورد کارگران یک کارخانه نیز وضع به همین منوال است. ماشین یکسانی در اختیار سه کارگر قرار می دهند، یکی تولید بالایی را نشان می دهد، دیگری کار متوسطی را، رابه می دهد و آن یکی دیگر موفقیتی به دست نمی آورد. اگر نفرات اول هر دو گروه را در نظر بگیریم و به احتمال خیلی زیاد از تحصیل یا از کار رضایت کامل خواهند داشت، نفرات دوم، تحصیل یا کار را بکنواخت احساس خواهند کرد و احتمالاً به ستوه خواهند آمد و نفرات سوم کاملاً عاجز خواهند ماند و به یادگیری ریاضیات یا کار با ماشین مورد نظر را خارج از توانایی خود تلقی خواهند کرد. تفاوت های فردی تنها در نتایج کار تجلی نمی کند، بلکه در روابط افراد با همکاران، دوستان، روسای ادارات، روسای کارخانه ها و زبردستان نیز آشکار می شود و مسلماً رضایت یا عدم رضایت فرد یا اطرافیان را فراهم می آورد. /3/.

نتایج تاسف بار بعضی از کارگران، کارمندان و دانش آموزان، مسولان کارخانه ها، ادارات و آموزش و پرورش را وادار کرده است تا اقدامات بهتری را در جهت بهبود وضع انتخاب افراد و راهنمایی های مجدد آنها اتخاذ کنند. البته لازم است این اقدامات قبل از اشتغال افراد به یک رشته تحصیلی یا به یک شغل معین انجام گیرد تا از بروز عواقب وخیم جلوگیری شود. بدیهی است که تنها راه جلوگیری از این ضایعات، توجه دقیق به تفاوت های فردی است. آگاهی از تفاوت های فردی می تواند ما را در حل بسیاری از دشواری ها یاری دهد. وقتی قبول کردیم که انسانها از نظر توانایی های ذاتی و اکتسابی تفاوت دارند، در پی این نخواهیم بود که از همه رفتار های یکسانی را انتظار داشته باشیم. وقتی پذیرفتیم که گذشته انسان ها متفاوت و در نتیجه نگرشها و علایق آنها به گونه ای دیگر است، هرگز در پی این نخواهیم بود که رفتار های یکسانی را در آنها مشاهده کنیم. /4/.

اهداف تحقیق

۱- علل تفاوت های فردی بین افراد از کجانشات می گیرد؟ ۲- بین یک گروه با گروه دیگر چه تفاوت هایی وجود دارد؟

پیشینه ی تحقیق

می توان پذیرفت که آگاهی از وجود تفاوت های فردی بین انسان ها، چه کودکان و بزرگسالان، به اندازه خلقت انسان قدمت دارد. زمانی که انسان هادر غارهای اجنگل ها زندگی می کردند و وقتی به هم می رسیدند با فاصله زور و بازوی یکدیگر را تخمین می زدند اگر طرف مقابل را ضعیفتر می

یافتند فوراً^۱ طعمه اش رامی گرفتند و برعکس، اگر درمی یافتند که حریف پنجه پرزورتر از آنها دارد، به اصلاح امروزی، پیش خودمی گفتند: باین نمی شود شوخی کرد. و فوراً^۲ از سر راهش کنار می کشیدند اگر تاریخ را ورق بزنیم، در هیچ دوره ای نخواهیم دید که انسانها، خواه به صورت رسمی و خواه به صورت غیر رسمی، اعضای جامعه خود را گروه بندی نکنند و برای هر گروه ویژگی های خاصی قایل نشوند. مثلاً^۳ قوم آریایی ایرانی، یعنی اجداد قدیمی ما، که در حدود هشت قرن قبل از میلاد، بر این سرزمین تسلط داشتند به سه گروه (جنگاوران، برزگران، مغان) تقسیم می شدند و هر کدام وظایف متفاوتی داشتند. وقتی ادبیات کهن و واقعا^۴ غنی سرزمین خود را مرور می کنیم، بازمی بینیم که موضوع تفاوت های فردی در هر دوره ای مورد توجه بوده است. هر کاری را به هر کسی نمی دادند و از همه کس نیز انتظارات یکسانی نداشتند. مولوی عارف نامی قرن هفتم هجری، سعدی بزرگترین نویسنده و گوینده قرن هفتم هجری شعرها و سخنانشان موید این جمله می باشد که: تربیت یکسان و طبایع مختلف. /5/.

در سایر سرزمین ها نیز وضع به همین منوال بوده است. بقراط^۱ حکیم یونانی، که بین سال های ۴۶۰ تا ۳۷۷ قبل از میلاد زندگی می کرد، معتقد بود که انسان، بر حسب این که کدام یک از مزاجها بر آن تسلط داشته باشد؛ به گروه های سودایی، صفراوی، دموی و بلغمی تقسیم می شوند. افلاطون، فیلسوف یونانی، در کتاب جمهوری خود، که در آن اصول کشورداری، نظام اساسی کشور، شکل حکومت، شرایط حقوق و زندگی را مورد بحث قرار می دهد، مردم را از لحاظ استعداد به سه گروه تقسیم می کند. در این تقسیم بندی، گروه اول به طلا تشبیه می شوند که می توانند زمام امور را به دست گیرند. گروه دوم به نقره تشبیه می شوند که باید دستیاران گروه رهبری باشند. گروه سوم به ترکیبی از مس و آهن تشبیه می شوند که توده مردم را تشکیل می دهند. به علاوه، افلاطون^۲ توصیه می کند که حکومت باید در مورد هر فرد به شیوه ی مختلف و بر اساس طبیعت او عمل کند. /3/ تفاوت های فردی برای اولین بار بر اثر یک تصادف جالب، توسط علم نجوم اندازه گیری شد. در سال ۱۷۹۶ ستاره شناسی به نام ماسکلین^۳، همکار خود کینر بروک را به این دلیل که مشاهدات او روی حرکات ستارگان یک ثانیه اختلاف داشت، اخراج کرد. در سال ۱۸۱۶ بسیل^۴ که او نیز ستاره شناس بود، از ماجرای کینر بروک مطلع شد و به کشف آن علاقه نشان داد. تحقیقات او بعد از مدتی به این نتیجه رسید که معمولاً^۵ در مشاهدات افراد، اختلافاتی وجود دارد. کاتل^۶ آمریکایی اولین تحقیق علمی درباره سرعت عکس العمل را انجام داده است، وی تحقیق مذکور را علاوه بر مخالفت و ونت ادامه داد و همین علاقه سبب تحقیق و اندازه گیری اختلافات فردی در زمینه های دیگر، از جمله هوش شد. /2/.

یافته های تحقیق

تفاوت های فردی جنبه کمی دارند نه کیفی و در میان افراد مختلف دارای شدت و ضعف می باشد. /6/ استعداد یعنی آمادگی طبیعی یا اکتسابی برای انجام دادن بعضی کارها به نابه گفته ادوارد کلاپارد^۷ روان شناس سوئیس، وقتی افراد را در شرایط یکسان آموزشی قرار می دهیم، بین آنها از نظر بازده تفاوت هایی می بینیم، عامل این تفاوتها را استعداد می نامیم. دکتر آلفرد بینه هوش را چنین تعریف می نماید: هوش چیزی است که تست من اندازه می گیرد. هوش یعنی توانایی حل مسائل، قدرت سازگاری با موقعیت تازه (گنجی، ۱۳۸۰) در کتاب اصول روان شناسی (مان) نیز تعریفی آمده است که: استعداد را از میزان نسبی پیشرفت استنباط می کنیم. اگر برای کسب یک مهارت، فرصتهای یکسان و مشابهی به افراد بدهیم، خواهیم دید که از نظر سهولت کسب آن بایکدیگر متفاوت هستند. کلاکسون و همکاران (۱۹۵۳) نقل می کنند که: هر انسانی از بعضی جنبه ها شبیه همه ی انسانهای دیگر است، شبیه بعضی از انسانهای دیگر است و شبیه هیچ انسان دیگری نیست. /1/ روش تطبیقی آلبرت بینه^۸، او را در جهت توسعه مطالعه تفاوت های فردی، مخصوصاً^۹ تفاوت های فردی کودکان سوق داد. می توان گفت «بینه دقیقاً» در زمینه روان شناسی تفاوت های فردی قدم برداشته است. /3/.

در مطالعه تفاوت های فردی چه نکاتی رعایت شود.

محاسبه میانگین: تعیین میانگین یک سری نتیجه معمولاً^۱ اولین مرحله هر مطالعه افتراقی است. برای تعیین میانگین، اگر تعداد نمرات کم باشد، مستقیماً^۲ می توان حاصل جمع نمرات را بر تعداد آنها تقسیم کرد.

1. Hippcrate

2. Platon

3. Maskelyne

4. Bessel

5. Cattell

6. Disposition.

7. Edouard Claparede

8. A. Binet

محاسبه انحراف استاندارد: موقعیت یک نمره نسبت به میانگین، از طریق انحراف آن از میانگین معلوم می شود. انحراف استاندارد، پراکندگی نمرات را نشان می دهد. اگر انحراف استاندارد کوچک باشد مفهومی این است که، اعضای گروه از نظر ویژگی مورد اندازه گیری، تفاوت های زیادی ندارند. /2/

محاسبه همبستگی: به ندرت اتفاق می افتد که تفاوت های مشاهده شده بین افراد، مستقیماً "مورد استفاده قرار گیرد. در اکثر موارد لازم می شود که این تفاوت ها با سایر تفاوت ها مقابله شود و احتمال وجود روابط یا همبستگی های معنی دار بین تعداد زیادی از تفاوت های مشاهده شده مورد بررسی قرار گیرد. /3/

کمیت های تفاوت های فردی

در آموزش و پرورش غالباً سه اصطلاح اندازه گیری، آزمون، و سنجش^۱ هم معنا بکار می روند. اما واقعیت این است که این سه در عین نزدیکی، این مفاهیم از یکدیگر متمایز هستند. اندازه گیری فرآیندی است که تعیین می کند یک شخص یا یک شیء چه مقدار از آن ویژگی را برخوردار است. در این تعریف اولاً "ویژگی یا صفتی از یک شیء یا یک شخص اندازه گیری می شود و ثانیاً آن ویژگی یا صفت بصورت عددی یا رقم مشخص می گردد. فرآیند اندازه گیری نیاز به وسیله ای دارد، متر و ترازو، ویژگی های فیزیکی را به طور مستقیم اندازه می گیرند. علاوه بر ویژگی های فیزیکی، رفتارهای آشکار را نیز می توان به طور مستقیم اندازه گیری کرد. مثلاً "تعداد دفعاتی که دانش آموز در یک جلسه درسی صندلی اش را ترک می کند یا تعداد مسائل ریاضی را که درست حل می کند (محصول رفتار) می توان به طور مستقیم اندازه گرفت. برخلاف ویژگی های فیزیکی (جسمی) و رفتارهای آشکار که بطور مستقیم اندازه گیری می شوند، ویژگی های یا صفات روانی مانند هوش، خلاقیت، انگیزش، نگرش، یادگیری و همانند اینها را باید بطور غیر مستقیم اندازه گیری کرد. زیرا هیچ کس مستقیماً^۲ به این ویژگی هدسترسی ندارد. معمول ترین وسیله اندازه گیری ویژگی های یا صفات روانی آزمون است. هر زمان که برای اندازه گیری یکی از ویژگی های روانی یک فرد یا گروهی از افراد از آزمون استفاده می شود به این عمل یا فعالیت آزمون می گویند. بنابراین آزمون وسیله یا روشی نظام دار برای اندازه گیری نمونه ای از رفتار است. از آنجا که آزمون یک وسیله اندازه گیری است، هر وقت آزمون صورت می پذیرد، یعنی آزمونی بکار می روند، نوعی اندازه گیری انجام می شود، اما هر نوع اندازه گیری الزماً آزمون نیست. اندازه گیری از آزمون مفهوم گسترده تری دارد. زیرا ممکن است اندازه گیری صورت پذیرد اما آزمون در کار نباشد یا همراه با آزمون وسیله دیگری نیز مورد استفاده قرار گیرد. مانند زمانی که یک روان شناس بالینی می کوشد تا از راه مصاحبه با یک فرد میزان افسردگی یا اضطراب او را تعیین نماید. وقتی یک روان شناس پرورشی هم با مشاهده رفتارهای آشکار یک دانش آموز هم با استفاده از یک آزمون هوش می کوشد تشخیص دهد که آن دانش آموز عقب مانده ذهنی است یا نه. وقتی که اندازه گیری صرفاً با استفاده از آزمون انجام می شود آزمون صورت می پذیرد. اما زمانی که در اندازه گیری بجای آزمون یا علاوه بر آن، وسایل دیگری به کار می روند به آن سنجش می گویند. بنابراین، سنجش نیز نوعی اندازه گیری است که مفهوم وسیعتری از آزمون دارد. /2/ در یک جمع بندی وبه نگاه عامیانه، مردم اغلب به دودسته ی با استعداد و بی استعداد تقسیم و طبقه بندی می شوند. اگر هر کسی به اطراف خود نظری بیفکند هر روز با اختلافات کیفی فاحشی که بین افراد جامعه وجود دارد مواجه می شود. به هر حال در مشاهده دقیق تری معلوم می شود که تمام افراد در گونه های مشخصی قرار ندارند و اختلاف میان آنها از لحاظ درجات است. به این ترتیب استنباط می شود که تفاوت های فردی را بیشتر می توان کمی دانست تا کیفی. از آنجا که تفاوت های فردی، جنبه کمی دارند، این سوال پیش می آید که درجات مختلف هر خصیصه ویژه چگونه در بین مردم توزیع شده است؟ آیا افراد در دسته ها و طبقات معینی گروه بندی شده اند؟ /6/

گروه های هوشی در جامعه

بر اساس نتایج، آزمون های هوشی، با استفاده از فنون گوناگون، به دست می آیند در نهایت به کمیتی می رسیم که بیانگر میزان هوشی افرادی باشد. این کمیت ضریب هوش است. روانشناسان افرادی را که دارای بهره هوشی بین ۹۰ تا ۱۱۰ می باشند و نمی از افراد جامعه را تشکیل می دهند، طبیعی و نرمال گویند و تعدادی دیگری یعنی واجدین ضرایب هوشی کمتر از ۷۰ و بیش از ۱۳۰ را به ترتیب عقب مانده و پیشرفته ذهنی می نامند. /6/

⁹. Measurement

¹. Testing

¹. Assessment

شیوه کار در روان شناسی تفاوت های فردی

شیوه کار به این نحو است که وقتی ویژگی یا صفتی، مانند هوش، انتخاب می شود و رابطه آن با متغیرهای دیگر مورد بررسی قرار می گیرد. نخستین گام طراحی وسیله اندازه گیری برای نشان دادن تفاوت های افراد از نظر این ویژگی است. سپس می توان فرد معینی را بر اساس نمره ای که در ویژگی فوق به دست آورده است توصیف کرد. بنابراین، اگر ما بخواهیم مصرف الکل را بر چگونگی رانندگی بسنجیم، می توانیم افرادی را برگزینیم و آنان را به دو گروه تقسیم کنیم؛ به گروهی که گروه گواه می نامیم الکل ندهیم، اما در گروه آزمایشی به هرنفر چهار لیوان مشروب بخورانیم. نیم ساعت بعد از مودنیهر ایش اتومبیل آزمایشگاهی بنشانیم و ببینیم آیا بین دو گروه از نظر نحوه رانندگی تفاوتی وجود دارد یا نه. می توان گفت الکل عملکرد اشخاص را هنگام رانندگی تحت تاثیر قرار می دهد. اما به طور معمولی در حوزه تفاوت های فردی انجام دادن تحقیقات به روش آزمایشگاهی میسر نیست، زیرا نمی توان ویژگی های فردی آزمودنیها، نظیر سن، شخصیت، هوش و طبقه اجتماعی را دستکاری کرد. هر آزمودنی ویژگی های خاصی را با خود نزد روانشناس می آورد و آزمایشگر فقط می تواند آنها را مشاهده و اندازه گیری کند، ولی امکان دستکاری در آنها را ندارد. به همین سبب، در تحقیقات مربوط به تفاوت های فردی، طرح های همبستگی رایج کاری بریم، ولی بدون به دست آوردن شواهد دیگر نمی توانیم وجود رابطه علت و معلولی را استنباط کنیم. پژوهشگرانی که هنگام تحقیق درباره ی تفاوت های فردی توجه خود را به روشهای همبستگی متمرکز می کنند با این خطر مواجه اند که یگانگی فرد را نادیده بگیرند. [1]

تفاوت های گروهی

بررسی تفاوت های فردی بدین معنی است که می توان افراد شبیه یکدیگر را گروه بندی کرد و تفاوت های بین آنها را مورد بررسی قرار داد. آشکارترین این تفاوتها، تفاوت بین زنان و مردان است، اما برخی دیگر از تفاوت های گروهی، که توجه روانشناسان را به خود معطوف داشته است، تفاوت های نژادی و سنی است. [2].

تفاوت های دو جنس

تفاوت های روانشناختی بین زنان و مردان همیشه برای مردم عادی جذاب بوده است، شاید به این دلیل که هر یک از ما به یکی از این دو گروه تعلق داریم و بنابراین فوری به این موضوع علاقه نشان می دهیم. این مطلب برای روانشناسان نیز دارای جذابیت و اهمیت قابل توجهی است. تایلر در کتاب «روانشناسی تفاوت های انسان» گفته است: «هیچ موضوعی در روانشناسی به این اندازه جذابیت همیشگی نداشته است» (تایلر، ۱۹۶۵). مکابی^۱ و جکلین^۲ (۱۹۷۵) در حدود ۲۰۰۰ کتاب و مقاله در این زمینه مرور کرده اند. [1].

توانایی های شناختی

هوش کلی، یا نمره هوش به زنان و مردان تا حدود زیادی مشابه است. در سال ۱۹۳۹ پژوهشگران «انجمن اسکاتلندی تحقیق در آموزش و پرورش» یکی از بهترین تحقیقات را در این زمینه انجام دادند و طی آن یکی از بهترین نمونه های نمره های آزمون هوش را جمع آوری کردند. آنان شوهدی مبنی بر اینکه از لحاظ هوش کلی یک جنس بر جنس دیگر برتری داشته باشد نیافتند. تحقیقات نشان داده است که از سنین خردسالی دختران، در بیشتر جنبه های مربوط به عملکرد کلامی نسبت به پسران برتری دارند. دختران خردسال، قبل از آنکه قادر به سخنگویی باشند، نسبت به صحبت های بزرگسالان واکنش بیشتری نشان می دهند. دختران به طور متوسط سخنگویی را در سنی پایینتر از پسران آغاز می کنند. و اختلالات سخنگویی کمتری دارند. آنها خواندن را زودتر از پسران می آموزند، و تعداد پسرانی که از نظر خواندن دچار عقب ماندگی می شوند، دو برابر دختران است. از نظر توانایی های ریاضی، برتری مردان به عنوان یک قاعده کلی تلقی شده است. زنان در تواناییهای شناختی بر مردان برتری دارند. بیشتر تحقیقات حاکی از آن است که زنان در حافظه طوطی وار، یعنی در تکالیفی که مستلزم تکرار ارقام، کلمات یا اشکال هندسی بدون کم و زیاد کردن آنهاست، قویترند. [1].

پرخاشگری

در این حوزه برجسته ترین تفاوت بین دو جنس است. یافته های کلی نشان می دهد پسران و مردان پرخاشگرتر از دختران و زنان اند، و چنین یافته هایی با تصور عمومی در این مورد بسیار هماهنگ است. این تفاوتها را از ۳ سالگی می توان مشاهده کرد که از همین سنین پسران نسبت

¹ .Tyler 2
¹ .Maccoby 3
¹ .Jacklin 4

به بازیهای خشن بیشتر از دختران علاقه نشان می دهد. در بزرگسالی، مردان به میزان قابل توجهی بیشتر از زنان مرتکب جنایت می شوند به نظری رسد که این یافته هادربسیاری از فرهنگ هاصداق است و صرفا مختص یک فرهنگ نیست. [1].

همرنگی و وابستگی

همرنگی در بین زنان نسبت به مردان بیشتر است. دختران درسین مهدکودک به یک بزرگسال مهربان از قبیل پدر و مادر یا معلم تقرب جویی بیشتری دارند. درسین هفت سالگی دختران در خانه به نسبت بیشتری اوقات خود را در ورو والدین می گذرانند. [1].

ظهور روان شناسی تفاوت های فردی

روان شناسی تفاوت های فردی در طی قرون و اعصار شروع به شکل گیری کرد. در سال ۱۸۹۵، بینه و هنری، مقاله ای تحت عنوان (روان شناسی فردی) منتشر کردند که اولین تحلیل سیستماتیک، هدفها و روشهای روان شناسی تفاوت های فردی را بیان می کرد. اولین عباراتی که بکاربردند حاکی بود از این که: مشکل است و هنوز در ابتدای راه هستیم. در سال ۱۹۰۰ میلادی اولین چاپ کتاب استرن^۵ در زمینه روان شناسی تفاوت های فردی منتشر شده اند کی بعد از آن شاخه های مختلف روان شناسی تفاوت های فردی پی ریزی شد. مقارن با این پیشرفت ها همکاری علم انسان شناسی و روان شناسی اجتماعی نیز اضافه شدند. این دو علم با روان شناسی تفاوت های فردی امروز نقاط اشتراک فراوانی دارند. در علوم آماری مهم ترین مفاهیمی که در روان شناسی تفاوت های فردی کاربرد بیشتری دارد مربوط به مفاهیم همبستگی و معنی دار بودن است. [6].

عوامل موثر در تفاوت های فردی

وراثت: چرا افراد با هم تفاوت دارند؟ علت اصلی تفاوت افراد چیست؟ ریشه تفاوت های فردی را می بایست در پیشینه ارثی فرد با توجه به شرایط محیطی که در آن رشد یافته جستجو کرد. اول باید دید وراثت به چه معناست؟ اثاث وراثت هر فردی در ژنهای به خصوصی است که در طول دوران بارداری (زندگی جنینی) از والدین خویش کسب کرده است. هر فرد زندگی خویش را از همان دوران جنینی به صورت یک موجودیک سلولی که همان تخم لقاح یافته است آغاز می کند. این سلول تقسیم می شود به دو سلول و به همین طریق تقسیم ادامه دارد. طی فراین تقسیم سلولی که میتوزیس^۷ خوانده می شود هر کروموزوم در هسته سلول با دو نیم شدن از طول در مدت زمان مشخصی دو برابر می شود. هر سلولی که از این تقسیم پدید می آید یک سری کروموزوم یکسان دریافت می کند. به این ترتیب همه سلول های بدن از وراثت یکسانی برخوردارند. وقتی که فرد از لحاظ جنسی بالغ می گردد در تشکیل سلولهای جنسی، یعنی اوول در جنس ماده و اسپرماتوزوئید در جنس نر، نوع متفاوتی از تقسیم سلولی صورت می گیرد. از آن جایی که در این فرایند تعداد کروموزوم های موجود در هر سلول تناسلی به نصف کاهش می یابد فرآیند مذکور به عنوان تقسیم سلولی یا میوسیس^۸ خوانده می شود. (سروری، ۱۳۷۴).

محیط: وقتی گفته می شود یک کودک محیط فقیری دارد منظور این است که آن کودک در یک محله پست زندگی می کند؛ نمی توان نتیجه گرفت که یک پسر ۸ ساله و برادر ۵ ساله اش که در یک اطاق زندگی می کنند، در هر لحظه از زمان دارای محیط یکسانی هستند. یعنی محیط هر کدام از آنها با توجه به شرایط سنی فرق می کند و در نتیجه اثر آن بر روی هر کدام از برادرها متفاوت است که باعث بروز رفتار متفاوت در دو برادر می شود. اهمیت محیط پیش از تولد (رحم مادری) در تعیین رشد فردی مکررا^۹ به اثبات رسیده است. به عنوان مثال: تغییر در رژیم غذایی و تغذیه و ترشحات غدود دیگر شرایط فیزیکی مادر ممکن است اثر عمیق و مهمی بر رشد جنین داشته باشد. در نتیجه تعداد زیادی از تحریکات و نوسانات القائی (تغییرات مصنوعی) که در حیوانات پست آزمایشگاهی صورت گرفته به وضوح ثابت می شود که رشد ساختمانی و ساختاری فرد به طور قطع قبل از هر چیز تحت تاثیر عوامل محیطی قرار می گیرد. [2].

تحصیل: مریبان دریافته اند که عدم موفقیت های پسران باهوش در کلاس سوم آغاز می شود در صورتی که این مطلب در مورد دختران در کلاس نهم اتفاق می افتد. در صورتی که تحقیقات اخیر گفته اند که عدم موفقیت برای پسران از کلاس اول شروع شده و در صورتی که این پدیده برای دختران تا کلاس ششم وجود ندارد. متاسفانه، دختران پس از کسب موفقیت های تحصیلی اعتماد به نفس خود را در تواناییهای هوشی

1 .Stern 5

1 .Die Differentielle Psychologie 6 in Ihren Methodischen Grundlagen

1 .Mitosis 7

1 .Meiosis 8

از دست می دهند. در حالی که پسران برعکس عمل می کنند. تحقیقات گذشته موبداین مطلب می باشد که نوجوانی بافت موفقیت های تحصیلی و از دست دادن اعتماد به نفس و تمایل به کارهای کلیشه ای زنانه همراه است. [6].

جنس: دختران عموماً از موفقیت های خود انتظارات کمتری دارند و علت آن رانقیصه های شخصی از قبیل محدودیت مهارت و هوش می دانند. برعکس پسران علل شکست را عدم تلاش و کوشش کافی و یا عوامل خارجی می دانند. دختران همکاری را بر رقابت ترجیح می دهند و این در مدارس مختلط به وضوح مشاهده می شود. موفقیت از نظر دختران شامل: محبوبیت، تناسب اندام، مهارت های اجتماعی و آمادگی برای ایفای نقش مادری در آینده است که اکثر تحقیقات موبداین فرضیه است. [6].

بحث و نتیجه گیری

وقتی خانواده ای صاحب فرزند تازه ای می شود، اعضاء خانواده و سایر بستگان دونوع واکنش کاملا "متفاوت نشان می دهند. بعضی هاسعی می کنند در وجود نوزاد برخی از صفات اجداد او را پیدا کنند و بدین وسیله نقش توارث را تایید کنند. برخی دیگر دوست دارند بگویند که نوزاد صفات خاص خود را دارد و بدین وسیله اهمیت محیط را نشان دهند. وقتی به نوشته های گذشتگان مراجعه می کنیم می بینیم که اکثر آنها به اهمیت محیط و توارث در ایجاد تفاوت های فردی اشاره کرده اند. آگاهی از تفاوت های فردی می تواند مدار حل بسیاری از دشواریهایاری دهد. وقتی قبول کردیم که انسانها از نظر تواناییهای ذاتی و اکتسابی تفاوت دارند، در پی این نخواهیم بود که از همه رفتارهای یکسانی را انتظار داشته باشیم. وقتی پذیرفتیم که گذشته انسانها متفاوت و در نتیجه نگرشها و علایق آنها به گونه ای دیگر است، هرگز در پی این نخواهیم بود که رفتارهای یکسانی را در آنها مشاهده کنیم. انسانها از بدخلقت می دانستند که بین آنها تفاوتهایی وجود دارد. موضوع تفاوت های فردی برای انسانهای قرون مختلف همیشه یک موضوع آشکار و بدیهی بوده است. در جوامع ابتدایی نیز افراد مشاغل مختلفی را عهده داری شدند. عده ای طبابت می کردند، عده ای آذوقه تهیه می کردند، گروهی جان و مال مردم را حفظ می کردند، تعدادی به جادوگری می پرداختند. این تقسیم بندی ها در همه جوامع وجود داشته است. وقتی مانوشته ها را ورق می زنیم، اشعار و ضرب المثله را در نظرمی گیریم یا تاریخ را مرور می کنیم، به راحتی درمی یابیم که همیشه انسانها می دانستند که قابلیت های آنها متفاوت است. آنها هر کاری را به هر کسی نمی دادند. بسیاری از مردم فکرمی کنند که توانایی تشخیص دارند، بسیاری از معلمان تصور می کنند که دانش آموزان خود را می شناسند، جای تردید وجود ندارد که همه ی ما از مقداری توانایی تشخیص برخورداریم، اما باید بدانیم که در این کار خطاهای نابخشودنی وجود دارد. بررسی ها نشان می دهد که انسانها در شناختن حتی دوستانی که چندسالی با آنها به صورت شبانه روزی زندگی می کنند دچار خطامی شوند. با تجربه ترین داوران نیز نمی توانند، بدون استفاده از ابزارهای عینی، تخمینهای درستی به عمل آورند. تشخیص عقب ماندگی یا باهوشی کودکان، از روی عکس، فیلم و حتی قیافه نمی تواند به اندازه تشخیص آنها به کمک آزمونهای عینی صحت داشته باشد. بنابراین، برای تخمین ویژگی های انسانها و تعیین تفاوت های آنها، تنهاری که می تواند از میزان خطای ما بکاهد استفاده از روشهای علمی است. اطلاع از تفاوت های فردی زمانی مفید خواهد بود که مابتوانیم بر اساس آنها تفاوت های افراد را در فعالیت های بعدی پیش بینی کنیم. بررسی و ارزیابی رفتاریک فرد به طور جامع مستلزم آگاهی از هر سه جنبه یعنی حیطه شباهتها، تفاوتها و یگانگیهاست. هر سه جنبه در روانشناسی تفاوت های فردی به نقطه مشترکی می رسند. تحقیقات نشان داده است که افراد در نگراد در سهای دانشگاهی بهتر از افراد بیرون گرا هستند. در پایان سعی شده است در این مقاله چیزهایی مطرح شوند که جنبه کاربردی داشته باشند و در جامعه قابل استفاده باشد. در پایان این مقاله به این نتیجه می رسیم که نباید از همه انسانهای جامعه انتظار یکسانی داشته باشیم چرا که آیه شریفه «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانایی اش تکلیف نمی کند. وسع در لغت به معنی گشایش و قدرت است، بنابراین مضمون آیه شریفه همان حقیقت عقلی را تأیید می کند که وظایف و تکالیف الهی هیچ گاه بالاتر از میزان قدرت و توانایی افراد نیست و لذا باید گفت تمام احکام با همین آیه تفسیر و تفسیر می گردد و به مواردی که تحت قدرت انسان است اختصاص می یابد. بدیهی است یک قانون گذار حکیم و دادگر نمی تواند غیر از این قانون وضع نماید.

منابع و مراجع

- [۱] کریمی، یوسف و فرهاد جمهری؛ تفاوت‌های فردی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، تابستان، تهران، ۱۳۷۱
- [۲] وطن خواه، حمیدرضا؛ ابوالقاسمی، شهنام، روان شناسی هوش، انتشارات احسن، چاپ اول، پاییز، تهران، ۱۳۸۷.
- [۳] گنجی، حمزه؛ روان شناسی تفاوت های فردی، انتشارات بعثت، چاپ دهم، تهران، زمستان ۱۳۸۰
- [۴] خوانساری، محمد، منطق صوری، انتشارات آگاه، چاپ هشتم، تهران. ۱۳۷۶
- [۵] مجیبی، جواد؛ تاریخ تمدن ایران، نوشته جمعی از دانشوران ایران شناس اروپا، انتشارات کتابخانه گوتنبرگ، تهران، ۱۳۳۶
- [۶] سروری، محمدحسین؛ روان شناسی تفاوت های فردی، انتشارات سخن، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴